

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال پانزدهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۸

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۲/۰۱

صفحات: ۱-۲۳

حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر

تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی

رووف رجایی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه تهران

محمدجعفر جوادی ارجمند*

دانشیار و عضو گروه علوم سیاسی مسائل ایران دانشگاه تهران

چکیده

حل و فصل منازعات در چند دهه اخیر، یکی از زمینه‌های مطالعاتی مهم در میان طیف وسیعی از صاحب‌نظران، پژوهشگران و کنشگران سیاسی را به خود جلب کرده است. در ایران نیز طی سال‌های اخیر مطالعات و پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در این باره آغاز شده است. با این وجود، مطالعات صورت گرفته در این عرصه در حوزه داخلی چندان از حد کلیات و یا اقتباس مفهوم سازی و مدل‌های قدیمی فراتر نرفته است. لذا، پژوهش حاضر با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در این زمینه و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بحث پیرامون نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در حل و فصل منازعات پرداخته است. بدین ترتیب، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که احزاب و تشکل‌های سیاسی با بالابردن افزایش مهارت‌های تحلیل افراد به وسیله نقش آموزشی خود، همچنین نظارت و نفوذ در ارگان‌های قدرت، پیوند و تجمع منافع، فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در رده‌های مختلف حکومت را تسهیل می‌بخشند. همچنین آن‌ها با پیوند زدن و تنظیم خواسته‌های افراد حاضر در ارگان‌های قدرت و سپس هماهنگ کردن تقاضاهای پراکنده آن‌ها نهایتاً اعمال نظر و صدور حکم قطعی توسط حکومت را تسریع کرده و همزمان افکار عمومی جامعه را نیز برای پذیرش این حکم آماده می‌سازند. بدین ترتیب، مدل پژوهش حاضر مرکب از مدل‌های سازشی، قانونی و مساعی جمیله و با مد نظر قراردادن کارها و وظایف احزاب و تشکل‌های سیاسی، همچون شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها، سازماندهی انتخاب شونده و مدیریت منازعات با استفاده از مولفه‌های اعتمادسازی، سهیم شدن در قدرت و مشارکت مردم به حل و فصل منازعات با رویکردهای قانونی، فرهنگی و تحکیم مردم‌سالاری می‌پردازند.

واژگان کلیدی: منازعات سیاسی، تشکل‌ها، جناح‌ها، حل و فصل منازعات

* نویسنده مسئول، ایمیل: Mjjavad@ut.ac.ir

مقدمه

بررسی نحوه حل و فصل اختلافات و منازعات به عنوان یکی از موضوعات بسیار مهم در شناخت و بررسی مناسبات و بازیگران سیاسی در عرصه سیاست داخلی کشورها همواره مورد توجه محققان قرار داشته است. رجوع به احزاب و تشکل‌های سیاسی به عنوان بازیگرانی که همواره برای کسب قدرت و افزایش نفوذ اجتماعی در تلاش می‌باشند تا از این طریق با اهداف و مرام‌نامه حزب یا تشکل خود جامه عمل بپوشانند، از جمله مسائلی است که در جوامع در حال توسعه و حتی توسعه یافته به چشم می‌خورد.

بدین ترتیب، اگر بپذیریم مردم سالاری در عمل به معنای مشارکت و رقابت سیاسی شماری از گروه‌ها و منافع سازمان یافته به منظور کسب قدرت سیاسی و اداره کشور برحسب سیاست‌ها و مواضع هر یک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته اصلی مردم سالاری را تشکیل می‌دهد. (بشیریه، ۱۳۹۴: ۳۷۵) از طرفی برخی اندیشمندان، منشاء تکوین گروه‌بندی‌ها و جریانات سیاسی در قالب تشکل‌های سیاسی و یا احزاب سیاسی را در شکاف‌های اجتماعی و سیاسی دانسته که منجر به تقسیم و تجزیه جمعیت در جامعه می‌گردد. (بشیریه، ۱۳۹۴: ۹۸) اما از طرف دیگر عده‌ای نیز بر این باورند که، احزاب، با تنظیم قواعد عملی مبنای ثبات سیاسی و دگرگونی‌های به سامان را برای جامعه فراهم می‌آورند و با مشارکت در انتخابات، مکانیسمی را برای تحرک سیاسی در یک چارچوب نهادی فراهم می‌سازند. در کشورهای توسعه یافته، مسائلی مانند وفاق بر سر مفاهیم کلیدی نظیر آزادی و محدوده‌های آن یا عدالت و نحوه تحقق آن، به وجود آمده و اگر اختلافی هست، بر سر جزئیات می‌باشد. این در حالی است که عرصه سیاست ایران همواره عرصه نزاع میان جناح‌های گوناگون بر سر تفاسیر مختلف از مقولاتی چون آزادی، عدالت، جمهوریت، اسلامیت و توسعه است. چنین منازعاتی تنها در عرصه نظری باقی نمانده و در قالب چرخش‌های شدید و پیاپی گفتمانی در دولت‌های مختلف نیز تبلور یافته می‌باشد. (بشیریه، ۱۳۹۰: ۱۲)

بدین ترتیب، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران براساس مدل‌ها و رویکردهای موجود قانونی - حقوقی، رویکرد اجماعی، رویکرد سازشی می‌باشد که هر یک به تنهایی نواقصی دارد. یک مدل جامع و ترکیبی برای حل و فصل مفید منازعات در آینده که، کارآمد، به روز و منطبق با واقعیات موجود جامعه ایران و مقتضیات بین‌المللی باشد، لازم است طراحی شود. به طوری که ترکیبی موزون و

حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ۵

متناسب از قوه قهریه، سازش، مدل اجتماعی و رهیافت اسلامی را در خود داشته باشد و با عناصر مهمی مانند احزاب سیاسی، جامعه مدنی، رعایت حقوق شهروندی، گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی، تقویت مبانی فرهنگی و تمدنی ایران و غیره بتواند کارآیی خود را در حل و فصل منازعه به عنوان یک مدل مطلوب نشان دهد که هدف این پژوهش است.

چرا که، با گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی در ایران، می‌توان اذعان نمود که اجماعی در بین نخبگان سیاسی حاکم نه در مورد خود این اهداف (طراحی مدلی مطلوب و ترکیب یافت از قوه قهریه، سازش، مدل اجتماعی و رهیافت اسلامی را در خود داشته باشد و با عناصر مهمی مانند احزاب سیاسی، جامعه مدنی، رعایت حقوق شهروندی، گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی، تقویت مبانی فرهنگی و تمدنی ایران و غیره بتواند کارآیی خود را در حل و فصل منازعه نشان دهد) و نه در مورد اولویت آن‌ها وجود ندارد و همین امر عرصه سیاست ایران را همواره به یک عرصه جناح‌بندی شده و منازعه‌آمیز مبدل ساخته است. این وضعیت، بیانگر ناهماهنگی منافع، ارزش‌ها و ادعاها میان طرفین درگیر است که برای ایجاد دگرگونی در وضع موجود، به عنوان شکلی از روابط سیاسی جلوه می‌کند. درگیری‌ها می‌توانند جنبه‌ها و دلایل مختلف داشته باشند. بدین ترتیب، حل و فصل منازعات سیاسی و برقراری صلح پایدار، نیازمند تغییر ایستارهای افراد و گروه‌های درگیر منازعه و اعتمادسازی میان طرفین منازعه است. همراهی احزاب و تشکل‌های سیاسی از طریق به کارگیری افکار عمومی جامعه، تصاویر و نمادهای جنش صلح، بخشی لاینفک از قابلیت و توانایی آن‌ها در راستای تحقق تحول فرهنگی است. قابلیت برقراری پیوند عاطفی و تقویت همدلی به ما امکان می‌دهد که همدیگر را به عنوان یک خانواده گسترش یافته بینگاریم. بنابراین غیریت به عنوان یک تهدید انگاشته نشود و حس ترحم و مهربانی را بتوان آزادانه ابراز کرد.

با توجه به مطالب مطروحه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، براساس چه مدل‌ها و الگوهایی قابل بررسی و تحلیل می‌باشد؟ همچنین مفهوم منازعه به طور اعم و منازعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارای چه ویژگی‌ها و ابعادی بوده و فرآیند حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چگونه است، و در نهایت حل و فصل اختلافات تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی و احزاب در جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد حل و فصل منازعه چگونه قابل تحلیل می‌باشد؟ بدین ترتیب، با توجه به اینکه احزاب و نیز جریان‌های سیاسی ترجمان شکاف‌های

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

اساسی موجود در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند، شکاف‌هایی که خود ناشی از رویدادهای مهم تاریخی آن جامعه‌اند. (دارابی، ۱۳۹۰: ۲۹) لذا فرضیه اصلی این است که، به نظر می‌رسد، الگوهای سه‌گانه‌ای جهت حل و فصل منازعات سیاسی مطرح شده‌اند که هر یک از آن‌ها به تنهایی پاسخگوی حل و فصل منازعه سیاسی در ج.ا.ایران نیست. لذا پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل محتوا که با توجه به ماهیت خود، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات، از نوع مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد؛ به طراحی مدل چهارمی جهت حل و فصل منازعات سیاسی در ایران پرداخته است. در پژوهش‌های کیفی نیز همانند پژوهش‌های کمی اعتبار از اهمیت بالایی برخوردار است، اما نحوه سنجش اعتبار در دو نوع تحقیق کمی و کیفی با همدیگر متفاوت می‌باشد. اعتبار به این موضوع می‌پردازد که آیا موضوعی که ادعا می‌شود، به طور واقعی بررسی می‌شود، به طور واقعی بررسی شده است؟ نکته‌ی افتراق این است که تحقیقات کمی، ایده‌های اعتبار بر شیوه‌هایی نظیر اعتبار مقیاس‌های رتبه‌بندی مورد استفاده در یک مصاحبه‌ی ساختارمند متمرکز می‌شود، اما در تحقیقات کیفی توجه به اعتبار تفاسیر است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۰: ۵۶) اعتبارپذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارتند از درجه‌ی اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است؛ به این معنا که آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی پژوهشگر ذکر می‌گردد همانی باشد که در ذهن پاسخگو بوده است (کرلینجر و فرد، ۱۳۹۲: ۴۷) در همین راستا، ابتدا به مفهوم حل منازعات و تاریخچه آن، مفهوم احزاب و تشکل‌های سیاسی پرداخته و سپس به بررسی جواب سوالات و فرضیات تحقیق پرداخته شده است، تا الگوی چهارمی برای این امر طراحی شود.

با توجه به گسترش فزآینده احزاب و تشکل‌های سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در راستای تشکیل دولت مدنی و حضور آن‌ها در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تعاملات بین دولتی، هدف این پژوهش بررسی نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در حل و فصل منازعات و برقرار صلح و آشتی است. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که احزاب و تشکل‌ها مرزهای متصلب نظام دولتی را در نوردیده و بر تمام تحولات و تغییرات در درون جوامع و بین دولت‌ها سایه افکنده‌اند. کنشگران دولتی و غیردولتی نیز از این ظرفیت در پیشبرد مقاصد سیاست خارجی و کسب پشتیبانی عمومی از اقدامات بهره می‌برند.

پیشینه پژوهش

* عظیمی دولت آبادی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، به بررسی مفاهیمی مانند رقابت، منازعه، نخبه، بی‌ثباتی؛ تاثیر منازعه نخبگان بر بی‌ثباتی سیاسی در دوره بعد از خرداد ۱۳۷۶؛ و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. لذا وی با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به این نتیجه دست یافته است که بی‌ثباتی، منازعه و رقابت سیاسی از جمله مهمترین مفاهیمی هستند که از جایگاه خاصی در حوزه ساخت سیاسی برخوردارند. نظام سیاسی و حکومتی زمانی می‌تواند پایدار باشد، که با مخالفت‌های گسترده، شورش‌ها و بحران‌های سخت روبه‌رو نباشد؛ از این رو «ثبات» یا پایداری همواره یکی از اهداف مهم حاکمان سیاسی بوده است.

* نیاکوئی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران، به ریشه‌های شکل‌گیری منازعات سیاسی با بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی بپردازد. در همین راستا، در ابتدا تأثیر عواملی مانند نهادمندی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی و همچنین فرهنگ سیاسی نخبگان، بر شکل‌گیری کشمکش‌های سیاسی در قالبی نظری مورد بررسی قرار گرفته و سپس این عوامل در مورد منازعه سیاسی ۱۳۸۸ در ایران مورد آزمون قرار می‌گیرند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که ضعف نهادمندی سیاسی در ایران با تأکید بر ضعف احزاب سیاسی، صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در ایران، عمق شکاف‌ها، متراکم بودن آن‌ها، جنبه ایدئولوژیک و هویتی داشتن آن‌ها و معطوف به دولت بودن و هم‌انگیزگی آن‌ها و در نهایت فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران، نقش مؤثری در شکل‌گیری منازعه سیاسی ۸۸ در ایران داشته‌اند.

* هگر (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه بین دموکراسی و تشکلهای سیاسی در منازعات داخلی و بین‌کشورها پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که حکومت‌های دموکراسی دارای تشکلهای سیاسی، در مقایسه با دیگر حکومت‌های دموکراسی فاقد تشکلهای سیاسی، یا تشکلهای سیاسی محدود، دارای کشمکش و منازعات کمتری هستند.

* دلاوری (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان درآمدی بر حل و فصل منازعات پیچیده و مزمن، به بررسی تحول مفاهیم، نگرش‌ها و روش‌ها در حل منازعه درآمدی بر حل و فصل منازعات

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

پیچیده و مزن، پرداخت، لذا نخست به فقر انتشارات علمی پیرامون این موضوع در ایران اشاره شده است؛ سپس، چگونگی توسعه این حوزه مطالعاتی و تحول نگرش‌ها و روش‌های مربوط به حل و فصل منازعات مورد بررسی قرار گرفته است. سرانجام، با اشاره به ویژگی‌های منازعات پیچیده و مزن سیاسی و بین‌المللی، راهبردی برای مواجهه با اینگونه منازعات ارائه شده است. در این راهبرد، که به جنبه‌های تکنیکی حل منازعه مربوط است، بر کاربرد روش‌ها و تکنیک‌هایی چون دیپلماسی نوع دوم، میانجیگری، مهارت‌های ارتباطی و مذاکره تأکید شده است.

لذا در مجموع آنچه در پشینه‌های مطالعاتی صورت گرفته، قابل مشاهده است، عبارت است از: ثبات و پایداری سیاسی، فرهنگ سیاسی نخبگان، حکومت‌های دموکراتیک و منازعات کمتر. لذا پژوهش حاضر با پرداختن به توأمان به نقد احزاب و تشکل‌های سیاسی در حل و فصل منازعات داخلی و بیان مدل‌های تبیین شده در این راستا و ارائه مدل نوین، گامی نوین در راستای مطالعه حل و فصل منازعه سیاسی در ایران برداشته است.

چارچوب مفهومی: نظریه حل و فصل منازعه

واژه منازعه معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معین قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، و اقتصادی با گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگر به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، منازعه‌ایی آگاهانه داشته باشند. منازعه پدیده‌ای جهان‌شمول بوده و دائماً در درون و میان جوامع رخ می‌دهد و لزوماً پدیده‌ای بدون وقفه و یا دارای شدت یکسانی نیست. منازعه ضرورتاً در نوعی رفتار خشونت‌آمیز ظاهر نمی‌شود، بلکه ممکن است با استفاده از ابزارهای ظریف سیاسی، اقتصادی، روانی و اجتماعی صورت پذیرد. سیاست نیز فرآیندی برای منازعات است. در واقع منازعه یک فرآیند اجتماعی با ویژگی چند بعدی می‌باشد. این پدیده در تمام نظام‌های اجتماعی بدون توجه به موقعیت مکانی و زمانی علیرغم سادگی یا پیچیدگی آن‌ها وجود دارد. (برکویچ و دیگران، ۱۰۵) همچنین برخی نظریه‌پردازان عرصه سیاست، منازعات سیاسی را کلی‌تر از مباحثی از جمله خشونت سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی دانسته‌اند، و آن‌ها را به عنوان ویژگی‌ها یا جلوه‌های منازعات سیاسی ارزیابی می‌کنند. (دلوری، ۱۳۸۷: ۱۵)

حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

چگونگی دستیابی به «حل و فصل صلح‌آمیز» منازعات، موضوعی آشنا در ادبیات روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک است و همواره بخشی از دیپلماسی بین‌المللی بوده است. (ریبیعی و جان پرور، ۱۳۹۰: ۵۶) حل و فصل منازعه یک موضوع گونه‌شناختی در جهت تبیین و توصیف رشته مطالعات صلح مطرح شده است. اولین تلاش‌های فکری و سیاسی صورت گرفته برای پایه‌گذاری این موضوع توسط اشخاصی از قبیل ماری پارکر فولت و تئودر اف لنتز در دهه ۱۹۵۰ م آغاز شد. این فرآیند ابتدا به عنوان یک موضوع میان رشته‌ای مرتبط با روانشناسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل و اقتصاد مطرح شد و سپس توسعه یافت و به صورت یک رشته مستقل درآمد. نهادها و موسساتی در مناطق مختلف جهان به عنوان مراکز پژوهشی حل منازعه و مطالعات صلح از آوریل دهه ۱۹۷۰ م شروع به کار نمود و در دهه ۱۹۸۰ م تعداد آن‌ها رو به فزونی نهاد. (ارجمند، ۱۳۸۵: ۵۶) تا دهه ۱۹۸۰ م نظریه‌های مربوط به حل و فصل منازعات تفاوت اساسی با همدیگر داشتند. در سال‌های پایانی جنگ سرد، شرایط حل و فصل منازعات دگرگون شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دوره‌ای طولانی که در آن منازعه‌ای بین‌المللی بر نظام جهانی حاکم بود، پایان داد. در عوض، منازعات داخلی، منازعات قومی و منازعه بر سر تجزیه‌طلبی و قدرت در داخل کشورها، به منازعات معمول دهه ۱۹۹۰ تبدیل شدند. این منازعات چندان منعکس‌کننده کشمکش میان قدرت‌های رقیب نبودند، (ریبیعی و جان پرور، ۱۳۹۰: ۵۶) حل منازعه در این معنا به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن اختلافات و برخوردهای میان دو یا چند طرف، به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و رضایت‌بخش، حل و فصل می‌شود و خاتمه می‌یابد.

بر این اساس، حل منازعات سیاسی داخلی را نیز می‌توان «فرآیند حل و فصل اختلافات و برخوردهای میان دولت و نیروهای سیاسی رقیب به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و مورد رضایت طرفین» تعریف کرد. البته در نوشته‌های تخصصی، ظرافت‌های خاصی در تعریف این مقوله به کار رفته است. صاحب‌نظران میان مفهوم حل منازعه با مفاهیم مشابهی نظیر حل اختلافات^۱، اتفاق نظر برای حل منازعه^۲، تخفیف منازعه^۳، مدیریت منازعه^۴ و تحول منازعه^۵ تفکیک قائل شده‌اند.

1. Dispute Resolutions
2. Conflict Settlement
3. Conflict Containment
4. Conflict Management
5. Conflict evolution

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ ———
(دلوری، ۱۳۷۸: ۴۳) همچنین برخی نویسندگان، با توجه به پایه‌های نظری مطالعه منازعات سیاسی میان گروه‌های داخلی جامعه و حل و فصل آن‌ها معتقدند از اواخر دهه ۱۹۹۰ م. محققانی همچون کولیر، فیرون و لیتین^۱ در خصوص علل منازعات سیاسی داخلی فراتر از برداشت‌های پارادایم سنتی مبتنی بر نابرابری و بی‌عدالتی رفته و خشونت را متأثر از عوامل و محرک‌های اقتصادی دانسته‌اند. به اعتقاد این گروه منازعات سیاسی وقتی روی می‌دهند که عواید اقتصادی جنگ با احتساب متغیرهایی چون احتمال کسب پیروزی، پاداش احتمالی حامیان، هزینه‌های محتمل، مدت جنگ که خود باعث افزایش هزینه‌های احتمالی می‌شود، بر هزینه‌های آن پیشی بگیرد. (کردل، ۱۳۹۱: ۳۵)

حل و فصل منازعات داخلی نیازمند مراحل و فرآیندی خاص می‌باشد، که می‌توان به سه مرحله پیشگیری، مدیریت و حل منازعه اشاره نمود. این ترتیبات به معنای سیاست‌هایی است که توسط احزاب و تشکل‌های سیاسی به عنوان طرف‌های ثالث درگیر در آن دنبال می‌شود. پیشگیری مجموعه سیاست‌هایی است که در مراحل اولیه منازعه، قبل از گسترش آن به سطح خشونت یا پس از آتش‌بس اتخاذ می‌شود تا از بازگشت خشونت جلوگیری کند و هدف آن کانالیزه کردن ستیزه به رفتارهای غیرخشونت آمیز به وسیله ارائه مشوق‌هایی برای رفتارهای مسالمت‌آمیز یا افزایش هزینه‌های تشدید خشونت برای طرف‌های ستیزه است. همچنین، مدیریت تلاشی است که برای حفظ سطح، تحدید یا هدایت آثار منازعه قومی پایدار و بادوام صورت می‌گیرد و حل منازعه اقداماتی برای ایجاد چارچوب نهادی است که در آن منافع متعارض گروه‌های سیاسی و قومی با یکدیگر سازگار می‌شود تا انگیزه‌های همکاری و روش‌های غیرخشونت‌آمیز تعقیب منافع و مصالحه واجد فوایدی بیشتر از هرگونه رویارویی خشونت‌آمیز می‌شود. (کردل، ۱۳۹۱: ۷۹) از جمله شاخص‌های توسعه سیاسی، ثبات سیاسی می‌باشد. چنانچه منازعات سیاسی در یک جامعه نشان‌دهنده عدم ثبات سیاسی، و ناشی از عدم نهادمندی رقابت سیاسی در آن جامعه است.

1. Veler, Fiuron and Lithin

احزاب سیاسی و حل و فصل منازعه سیاسی

حل منازعه به عنوان فرآیندی که طی آن طرفین یک درگیری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم درصدد توقف درگیری‌ها و حل و فصل اختلافات خود بر می‌آیند، دارای تنوع و مرزبندی‌های مفهومی چندانی در علوم سیاسی نیست و در این خصوص معمولاً از مفهوم عام حل منازعه استفاده می‌گردد. لذا، رویه‌های واحدی نیز برای مواجهه به این فرآیند و استفاده از راه کاری واحد و مسمر ثمر در این خصوص اتخاذ نگردیده است.

منازعه یکی از رخداد‌های گریزناپذیر جوامع بشری است که بیانگر ناهماهنگی منافع، ارزش‌ها و ادعاها میان طرفین درگیر است که برای ایجاد دگرگونی در وضع موجود، به عنوان شکلی از روابط سیاسی جلوه می‌کند. درگیری‌ها می‌توانند جنبه‌ها و دلایل مختلف داشته باشند. درگیری‌های قومی - نژادی، یکی از شایع‌ترین درگیری‌های سیاسی است که هر از چند گاهی در کشورهای مختلف بروز می‌یابد. اغلب این درگیری‌ها بر سر دست یافتن به قدرت بوده و غالباً در زمان انتخابات سیاسی بروز می‌نماید. (ربیعی، ۱۳۸۸: ۸۵)

منظور از تشکل‌های سیاسی همه انواع دسته‌جات سیاسی می‌باشد. (بادامچیان، ۱۳۹۲: ۲۳). در خصوص تشکل‌های سیاسی مباحث متعددی در قالب کتب و مقالات مطرح گردیده است، که گویای اهمیت این مقوله در جامعه می‌باشد. علاوه بر آن برخی دانشمندان عرصه سیاست به این نکته اشاره کرده‌اند که رشد و اثر بخشی مشارکت سیاسی افراد جامعه زمانی بیشتر است که آن‌ها در یک گروه و یا تشکل سیاسی در ارتباط با دیگران فعالیت خاصی را انجام دهند. (Dunkel and et al, 2014 : 1)

همچنین از منظر دیگر، تشکل‌های سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد براساس باور و دیدگاه‌های مشترک سیاسی گرد هم می‌آیند تا بتوانند زمینه را برای رشد کارگروهی و شکوفایی استعدادها و شناخت کادرهای سیاسی و تربیت آن‌ها و تهیه برنامه و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند. (عنایتی، ۱۳۹۱: ۱۵) همچنین در تعریفی دیگر از تشکل می‌توان اینگونه بیان داشت که: تشکل عبارت است از: گروه یا مجموعه‌ای از افراد که براساس آرمان و هدفی معین برای مدت زمانی کوتاه یا بلند گرد هم می‌آیند؛ یا به عبارتی گروهی و اجتماعی از افراد که جهت دستیابی به اهداف به برنامه‌ریزی می‌پردازند. در واقع تشکل، عنوانی عام برای همه گروه‌ها و دسته‌جاتی است که در حوزه‌ها و زمینه‌های گوناگون از قبیل اقتصادی، سیاسی،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

فرهنگی، اجتماعی و... اجتماع نموده و به فعالیت می‌پردازند. (قیصری و فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

در همین راستا، جایگاه و اهمیت تشکل‌های سیاسی تا به آنجاست که برخی اندیشمندان، وجود تشکل‌های سیاسی را که براساس شکاف‌های گوناگون ایجاد می‌شوند، ممکن است حزب سیاسی موردنظر را تأسیس کنند. لذا برگزاری انتخابات مستمر و متعدد، وجود گرایش‌های گریز از مرکز و گریز از حکومت و فراهم بودن شرایط پذیرش احزاب مخالف در درون نظام حزبی را موجب تعدد احزاب سیاسی در جوامع مختلف دانسته‌اند. (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۲۲) لذا با توجه به اینکه در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظائر این‌ها، از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد، مردم در اداره کشور دارای نقش واقعی و حقیقی بوده و از حاشیه به متن آمدند. بر همین اساس حضرت امام (ره) فرمودند: «میزان رأی مردم است» لذا تشکل‌های سیاسی مانند احزاب در جامعه امکان رشد داشته و دستیابی به قدرت سیاسی از طریق رای مردم که به عنوان اصلی پذیرفته شده می‌باشد، این امکان را به آن‌ها می‌دهد. همچنین آزادی فکر و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها، آزادی اجتماعات و آزادی برای تشکیل احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی در چارچوب قانون، از جمله مهمترین آزادی‌هایی است که به عنوان حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی براساس قانون اساسی پذیرفته شده است. بنابراین تشکیل حزب یا گروه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران یک حق قانونی تلقی می‌گردد و این فعالیت‌ها در چارچوب قانون آزاد است. (جوانی، ۱۳۸۷: ۴۲)

حزب، واژه‌ای عربی است که معادل آن در زبان فارسی «گروه» یا «دسته» است و در ادوار مختلف تاریخ به معانی متفاوتی به کاررفته است و در فرهنگ‌نامه‌های ادبی و سیاسی، تعاریفی متعدد درباره آن ارائه شده و در هر یک از آن‌ها به وجهی از ابعاد مفهوم یادشده پرداخته شده است. (نقیب زاده، ۱۳۹۲: ۱۳) همچنین در اصطلاح حزب به گروه یا سازمانی با عنوان و هویتی خاص اطلاق می‌شود که می‌کوشد با معرفی نامزدهای مورد نظر خود، در انتخابات مختلف قدرت را در دست بگیرد. (فاضلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۶) در همین راستا، مفهوم حزب به شکل مدرن آن به کشورهای اروپایی بر می‌گردد با ارجاع به منابع غربی به تعاریفی چند از آن دست خواهیم زد.

چنانچه از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان غربی، حزب سیاسی عبارت است از هر نوع گروهی

حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ۵

ولو با سازماندهی ضعیف، که درصدد انتخاب مقامات حکومتی تحت یک عنوان معین باشد. (Epstein, 1967:9) همچنین حزب سیاسی عبارت است از جریاناتی در جستجوی یافتن برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی تازه برای بیان آرمان‌های شهروندان و تحقق این آرمان‌ها. (Borgatta, 1992 :1485) همچنین حزب به مثابه جریاناتی جهت تقویت و تحکیم پیوندهای میان شهروندان و سیاست‌سازان تلقی شده است. (Lawson, 1980:۴۱) بنا بر نظر برخی نظریه‌پردازان عرصه سیاسی، حزب به معنای یک گروه دارای نقطه نظرهای اسلامی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هماهنگ و دارای هماهنگی عمل و برخوردار از همسازگی و دم‌سازی عملی و تشکل در طرح برنامه و در اجراست. (قاسمی، ۱۳۹۰ : ۱۳۹)

از جمله کار ویژه‌های احزاب سیاسی می‌توان به نقش آن‌ها در شکل‌گیری منازعات قانونی در چارچوبی که برای آن‌ها تعیین شده است، اشاره نمود. همچنین آن‌ها امکان اظهارنظر در مباحثات عمومی را فراهم می‌کنند و در عین حال ابزار مناسبی برای کنترل منازعات سیاسی تلقی می‌گردند. گاهی نیز، نقش متعادل‌کننده اوضاع مخدوش جامعه را به عهده می‌گیرند؛ اما یکی از ویژگی‌های احزاب سیاسی، این است که می‌توانند به شکل شعبات محلی و منطقه‌ای توسعه یابند و در نتیجه، اعضای بیشتری از جامعه می‌توانند در آن‌ها عضو شوند و با توجه به ویژگی‌های گروه، این عضوگیری، نوعی «نظارت اجتماعی» را به وجود می‌آورد که در ذات خود، منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود؛ از طرف دیگر، همه احزاب موجود در یک جامعه به دلیل آنکه رابط میان دولت و ملت هستند، نقشی بسزا در حفظ امنیت ملی دارند؛ در واقع، احزاب، با ایجاد اعتماد و وفاداری و حفظ ارزش‌های ملی و مذهبی، می‌توانند حکومت و ملت را در رسیدن به آرمان‌های خود یاری کرده، از انحراف حکومت جلوگیری کنند. در کشورهایی که نظام حزبی جا افتاده‌ای دارند، احزاب سیاسی، در جایگاه حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند. (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۲۲) با توجه به نقش و جایگاه احزاب در جامعه آنچه مهم به نظر می‌رسد جایگاه این عنصر مهم اجتماعی در قانون است. لذا باید جایگاه حزب را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی نمود.

در قانون اساسی، آزادی احزاب و گروه‌های و امکان تشکیل آن‌ها مطرح شده است. چنانچه براساس اصل ۲۶ قانون اساسی «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادند؛ مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

شرکت در آن‌ها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.» همچنین در طرح قانونی احزاب نیز که در سال ۱۳۵۹ وارد مجلس شد و در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسید نیز فعالیت احزاب سیاسی را منوط به اخذ مجوز از وزارت کشور اعلام نموده است. (اکبری، ۱۳۸۸: ۵۵) بدین ترتیب، با توجه به مقدمات مذکور و فراهم بودن عرصه سیاسی و قانونی برای فعالیت‌های سیاسی احزاب در جامعه، آن‌ها به ایفای نقش خود در مناسبات سیاسی، اجتماعی در جامعه پرداختند.

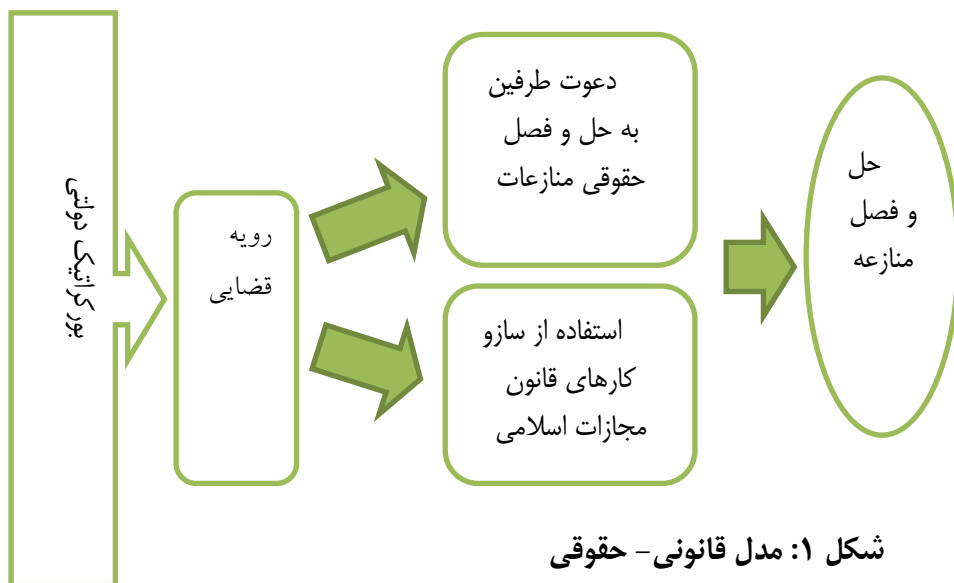
بدین ترتیب، منظور از جناح‌بندی این است که دربارهٔ مسائل اساسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اختلاف نظرهایی در حاکمیت وجود دارد که در طول زمان باعث شده تا دیدگاه‌های نزدیک به هم، حول یک محور گرد آیند. جناح‌های سیاسی فاقد ویژگی یک حزب سیاسی هستند؛ زیرا احزاب، اساس‌نامه و مرام‌نامه دارند؛ در حالی که جناح‌ها، اساس‌نامه و مرام‌نامه ندارند. احزاب سیاسی دارای برنامهٔ عمل مدوّن هستند و کادرسازی می‌کنند؛ در حالی که جناح‌ها برنامهٔ عمل مدوّنی ندارند و می‌توان در طول زمان مواضع متفاوتی از آن‌ها مشاهده کرد. احزاب، شبکه‌های گسترده در سراسر کشور دارند که با سازمان‌های مرکزی خود ارتباط دارند، اما جناح‌ها چنین شبکه‌هایی را نداشته و متمرکز عمل می‌کنند. احزاب به دنبال کسب قدرت هستند، ولی جناح‌ها به دلیل اینکه شرایط و کادر لازم را ندارند، تنها به دنبال اثرگذاری بر قدرت هستند. احزاب از سیاست‌های مشخص پیروی می‌کنند، اما جناح‌ها بیشتر به صورت یک طیف فکری عمل می‌کنند؛ یعنی در درون آن‌ها می‌توان گرایش‌های مختلفی را مشاهده کرد؛ لذا دارای مواضع یکپارچه‌ای نیستند. (مرتجی، ۱۳۹۴: ۱۰). در قسمت پیش رو ابتدا به بررسی سه مدل یاد شده پرداخته می‌شود و در پایان مدل ترکیبی مطرح خواهد شد.

۱- مدل قانونی - حقوقی

این مدل براساس مناقشات حقوقی که میان بازیگران سیاسی روی می‌دهد طراحی گردیده است. چنانچه در مناقشات حقوقی، اطراف دعوا در مورد اجرا و یا تفسیر حق موجود با یکدیگر اختلاف نظر دارند. این مدل نزدیک‌ترین مدل به مساعی جمیله بوده، لکن، در این مدل قاضی از طرف حکومت تعیین می‌گردد، همچنین صلاحیت‌ها محدود بوده و اصول شکلی و یا اجرائی رسیدگی قضایی از قبل پیش‌بینی شده است. در این مدل رسیدگی قضایی توسط قوانین متنی از قبل پیش‌بینی شده حمایت می‌شوند همچنین ادله اثبات دعوا در دعاوی قضایی از قبل

حل و فصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

پیش‌بینی و احصا شده است. (موسی زاده، ۱۳۹۲ ج ۲: ۱۴۹) همچنین برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که جلب رضایت اکثریت، یا برپایی دموکراسی از طریق اصلاح قواعد و قوانین اساسی، و تأکید بر نظم و انضباط مدیریتی در بخش عمومی امکان‌پذیر بوده و بدین ترتیب می‌توان از جنگ و منازعات داخلی جلوگیری نمود. (دادگر، ۱۳۹۰: ۵۶)



شکل ۱: مدل قانونی - حقوقی

۲- مدل اجماعی (مסاعی جمیله)

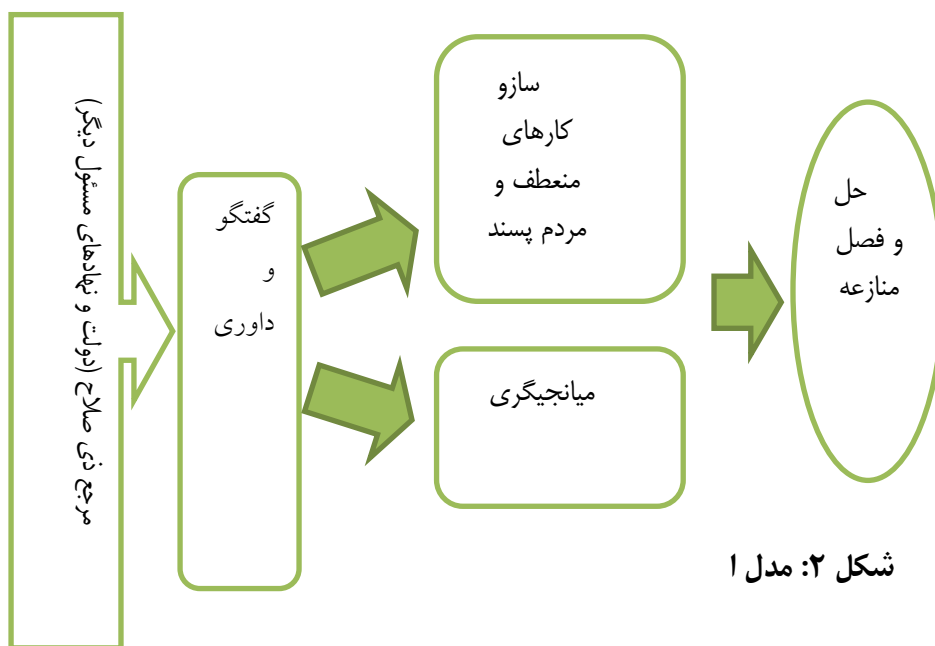
این مدل در عمل راه‌های حل منازعه اغلب ترکیبی از روش‌های مختلف است و هر راه‌حلی با اجماع بدست می‌آید. البته این شکل از حل و فصل منازعه در مناسبات بین‌المللی به پایمردی یا مساعی جمیله معروف بوده و مبتنی بر تلاش طرف ثالث در رضایت طرفین منخاصمه و منازعه به عنوان واسطه و به نحوی دوستانه بوده تا آن‌ها را به مذاکره جلب نماید. بدون اینکه برای حل و فصل به این کشور پیشنهاد ماهوی ارائه نماید. (رابرت بله سو و بوسچک، ۱۳۹۰: ۳۶۲) در همین راستا، نقش رسانه در شکل دادن به افکار عمومی و ایجاد زمینه‌ای برای مناظره عمومی به رسمیت شناخته شده است و می‌بایست به عنوان مبنایی برای مداخله رسانه‌ها در این مرحله از درگیری و منازعه مدنظر قرار گیرد.

قدرت سیاسی در جامعه ما همانند بیشتر جوامع، میان نمایندگان، احزاب و تشکل‌های

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

سیاسی رقیب تقسیم شده است که هیچکدام قادر به سلطه بلامنازع خود بر جامعه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون نبوده‌اند. لذا هر کدام قدرتی داشته و هیچ کدام قدرت مطلق به شمار نمی‌روند. رقابت میان آن‌ها بر پایه موازین کم و بیش مشابه سبب توزیع قدرت می‌شود. هر کدام از این تشکل‌ها و احزاب باید بتوانند در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلی جامعه صدای خود را به گوش شهروندان برسانند. قانون و بی‌طرفی رسانه ملی ضامن آن است که صدا و سیما در برابر احزاب و تشکل‌های سیاسی جانبداری یا کینه ورزی خاصی نداشته باشد و همه را به یک چشم بنگرد.

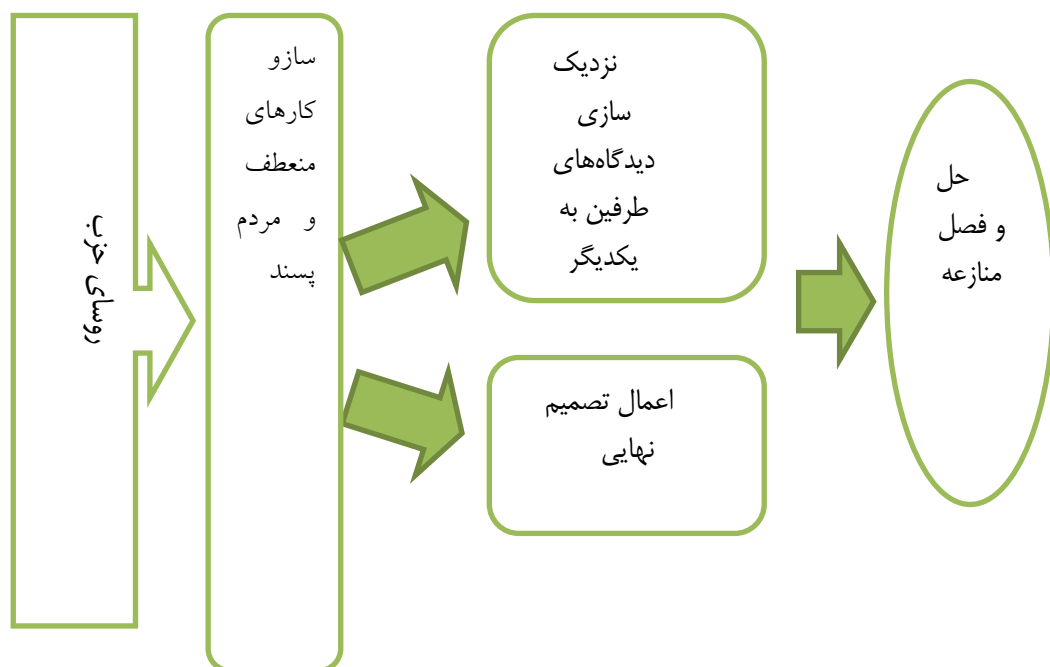
تحول منازعه جدیدترین رویکرد مدیریت منازعات بر این مبنا استوار است که صلح پایدار بیش از همه نیازمند سازش میان منافع و مواضع است. این رویکرد مبتنی بر یک فرآیند بلندمدتی است که هدف نهایی آن برپایی عدالت اجتماعی است. برخلاف سایر رویکردها، تحول منازعه، تعارض را یک نیروی مثبت می‌انگارد که تغییر و تحول مناسب آن می‌تواند به تحول اجتماعی بینجامد، ارزیابی می‌نماید. به علاوه، توقف ساده خشونت‌ها ضرورتاً به رفع بی‌عدالتی نخواهد انجامید. (Richmond, 2013: 39)



شکل ۲: مدل ۱

۳- مدل سازشی

این مدل را می‌توان منبعث از دیدگاه‌های اودانل و اشمیتر دانست، که بر مشی تعاملی و مصالحه‌جویانه تأکید داشتند. (کدیور، ۱۳۹۲: ۴۶) در این مدل حل و فصل منازعات سیاسی، از طریق سازوکارهای منعطف و مردم‌پسند انجام گرفته و هدف آن نزدیک ساختن دیدگاه‌های طرفین به یکدیگر می‌باشد. سازوکار این روش میانجیگری است. (بله سو و بوسچک، ۱۳۹۰: ۳۵۶) در خصوص نظریات سازش دیدگاه نخبه‌گرایی، معتقد به حفظ میانه‌روی و ایجاد مصالحه و سازش، ائتلاف و اجماع برای پیشبرد امور است. به این معنا که تفکر دموکراتیک، توان تحمیل و غلبه یابد و نخبگان بر سر اصول و قواعد کردار سیاسی، توافق کنند. (مقصودی و راهبر، ۱۳۹۴: ۲۲۷)



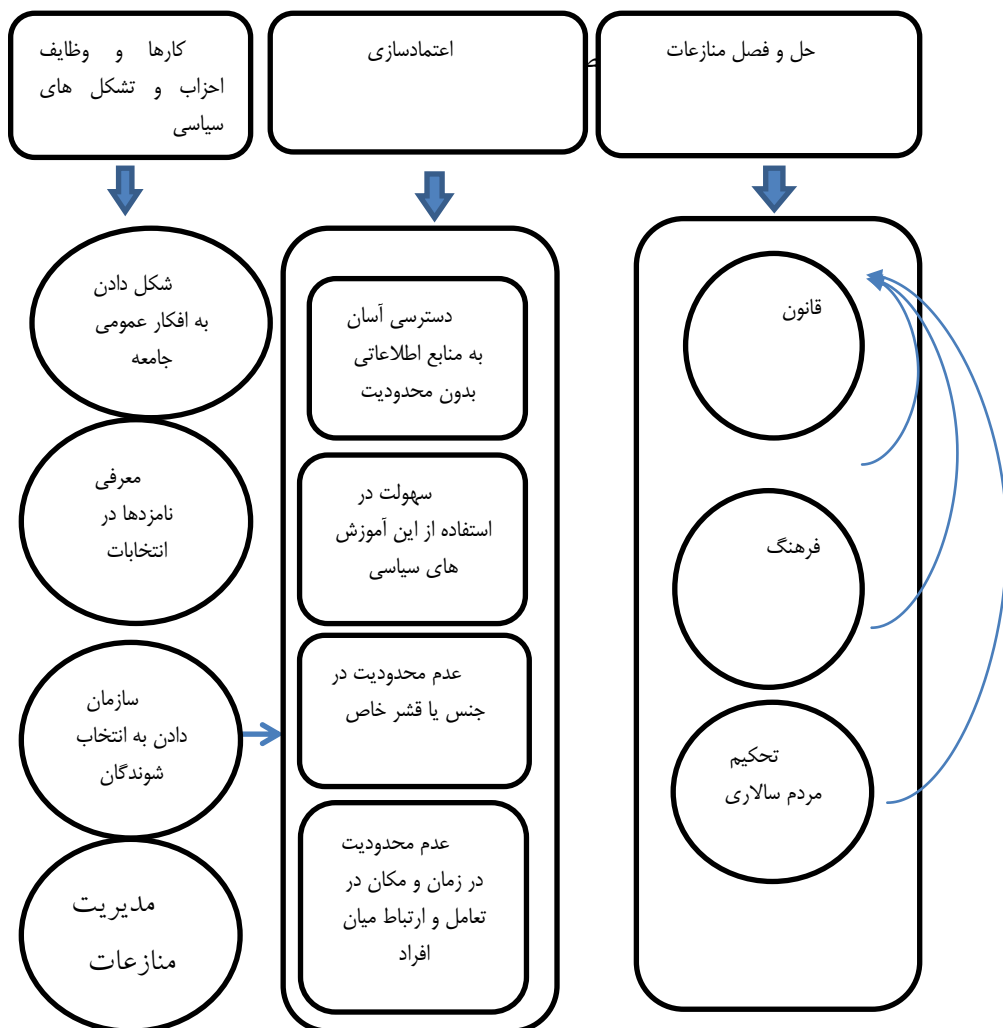
شکل ۳: مدل سازشی

از این رو به نظر می‌رسد تا زمانی که اجماع نسبی بر سر اهداف و تفاسیر آن‌ها در بین

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

نخبگان سیاسی ایران شکل نگیرد، عرصه سیاست ایران همواره عرصه‌ای منازعه آمیز بوده و همه مسائل از ریز و درشت به شدت ماهیتی سیاسی می‌یابد. در چنین شرایطی نظرات و تصمیمات فنی و کارشناسی همواره تحت تأثیر رقابت‌های سیاسی قرار گرفته و به حاشیه رانده می‌شوند. برآیند همه این موضوعات نیز چیزی غیر از بدکارکردی بخش‌های مختلف نظام سیاسی نخواهد بود.

شکل ۴: مدل اسلامی - ایرانی حل و فصل منازعات



در مدل طراحی شده در پژوهش حاضر، همانگونه که مشاهده می‌شود در مدل اسلامی چگونگی تجهیز و به کارگیری منابع مادی و معنوی و بهره‌گیری از ارزش‌های دینی برای ایجاد و تقویت همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و بالاخره استفاده صحیح از امکانات و منابع مالی و انسانی، در زمان منازعات سیاسی، همگی به عامل قانون و تبعیت از حاکمیت بستگی دارد. مدیریت و تنظیم سیاست‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی نیاز به راهبران و مدیرانی دارد که بتوانند با درک و شناخت اوضاع و مقتضیات بین‌المللی، منافع ملی را به درستی تعیین کنند و درصدد تحقق اهداف ملی برآیند. از این رو تمام کارویژه‌های یک حزب سیاسی و تشکل مطلوب عرفی، در ظرف وجود یک رهبر آگاه با جهان‌بینی اسلامی تحقق می‌یابد.

همانگونه که مشاهده می‌گردد، این مدل تلفیقی بوده و تلاش گردیده است تا حتی‌المقدور نقاط ضعف مدل‌های دیگر در نظر گرفته شود و در این مدل تعدیل گردد. چنانچه در این مدل از جمله کارویژه‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی، شکل دادن به افکار عمومی جامعه بیان گردیده است که از این نظر گرفته شده است، که مطابق با مدل مساعی جمیله این امر به رسانه‌ها نسبت داده شده بود. اما در این مدل این امر از جمله کارویژه‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی بیان گردیده است. تا از این طریق از مدل یکطرفه رسانه‌ها و مخاطبان به مدل دو سویه احزاب و افراد جامعه تبدیل گردد. همچنین در مدل قانونی، قاضی از طرف حکومت تعیین می‌گردد و صلاحیت‌ها محدود بوده و اصول شکلی و یا اجرائی رسیدگی قضایی از قبل پیش‌بینی شده است. در این مدل رسیدگی قضایی توسط قوانین متنی از قبل پیش‌بینی شده حمایت می‌شوند. همچنین ادله اثبات دعوا در دعاوی قضایی از قبل پیش‌بینی و احصا شده است. اما در مدل چهارمی که در پژوهش حاضر طراحی گردیده است، عدم محدودیت در جنس یا قشر خاص، همچنین عدم محدودیت در زمان و مکان در تعامل و ارتباط میان افراد از جمله اصولی است که در قالب فرآیند اعتمادسازی پیش‌بینی گردیده است. در مدل سازشی نیز، روسای احزاب به وسیله سازو کارهای منعطف و مردم‌پسند، به نزدیک سازی دیدگاه‌های طرفین به یکدیگر و اعمال تصمیم‌نهایی می‌پردازند تا از این طریق منازعات سیاسی حل و فصل گردند. اما این امر در مدل حاضر به صورت دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی بدون محدودیت و سهولت در استفاده از این آموزش‌ها در قالب فرآیند اعتمادسازی تعدیل یافته است.

نتیجه‌گیری

پیشگیری منازعه

با توجه به مطالعه صورت گرفته در خصوص مدل‌ها و روش‌های پیشگیری از منازعه می‌توان اینگونه بیان نمود که با توجه به مطالب مطروحه پیشگیری از منازعه که معنای آن سیاست‌هایی بود که توسط احزاب و تشکل‌های سیاسی به عنوان طرف‌های ثالث درگیر در آن دنبال می‌گردید، لذا در پژوهش حاضر نیز پیشگیری مجموعه سیاست‌هایی است که در مراحل اولیه منازعه، قبل از گسترش آن به سطح خشونت یا پس از آتش‌بس اتخاذ می‌شود تا از بازگشت خشونت جلوگیری کند، بدین ترتیب در مدل حاضر بر اعتمادسازی تأکید گردیده است. همچنین هدف آن کانالیزه کردن ستیزه به رفتارهای غیرخشونت آمیز به وسیله ارائه مشوق‌هایی برای رفتارهای مسالمت‌آمیز یا افزایش هزینه‌های تشدید خشونت برای طرف‌های ستیزه نیز اعمال سیاست‌هایی از جمله دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی بدون محدودیت، سهولت در استفاده از این آموزش‌های سیاسی، عدم محدودیت در جنس یا قشر خاص و عدم محدودیت در زمان و مکان در تعامل و ارتباط میان افراد، توصیه گردیده است.

مدیریت منازعه

همچنین همانگونه که بیان گردید، مدیریت منازعات سیاسی، به منظور حفظ سطح، تحدید یا هدایت آثار منازعه قومی پایدار و بادوام صورت می‌گیرد، لذا در مدل حاضر بر کارکرد احزاب تأکید گردیده است. بدین ترتیب، که احزاب با شکل دادن به افکار عمومی جامعه، معرفی نامزدها در انتخابات، سازمان دادن به انتخاب شونده‌گان، اقدام به مدیریت منازعات سیاسی، می‌نمایند.

و حل و فصل منازعه

در همین راستا، همانگونه که در پژوهش حاضر بیان گردید، حل منازعه، به عنوان اقداماتی برای ایجاد چارچوب نهادی، صورت می‌گیرد، و هدف آن سازگاری منافع متعارض گروه‌های سیاسی و قومی با یکدیگر است، تا انگیزه‌های همکاری و روش‌های غیرخشونت آمیز تعقیب منافع و مصالحه واجد فوایدی بیشتر از هرگونه رویارویی خشونت آمیز می‌شود. تمرکز پژوهش

حاضر بر سه مولفه قانون، فرهنگ و تحکیم مردم سالاری است.

از آنجا که امروزه کشور ایران در دهه چهارم انقلاب خود به سر می‌برد و از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون احزاب متعددی پا به عرصه سیاسی کشور گذاشته‌اند. می‌توان نقش احزاب را در نظام اجتماعی مهم و پررنگ ارزیابی نمود. احزاب و تشکل‌های سیاسی به عنوان مهمترین مجرای ارتباط سیاسی میان حاکمیت و مردم می‌توانند نقش تعیین‌کننده و حساسی در میزان مشارکت سیاسی مردم داشته باشند. آن‌ها می‌توانند بر نگرش، آگاهی و در نهایت مشارکت‌پذیری مردم در عرصه سیاسی جهت بخش باشند.

لذا این مسئله در جامعه ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ که در آن در کنار شعار اسلامی بودن، واژه جمهوریت نیز گنجانیده شد و با این اقدام، جامعه ایران به مرحله نوینی از حیات سیاسی خود گام نهاد، از جهات گوناگون حائز اهمیت و توجه است و بررسی عناصر و عوامل سیاسی اثرگذار بر آن (مشارکت سیاسی مردم) بیش از گذشته در خور تأمل و بررسی است؛ زیرا مشارکت گسترده‌ی مردم در عرصه‌ی حیات سیاسی هر کشور، شاخص بسیار مهمی برای ارزیابی میزان پذیرش نظام سیاسی از سوی مردم تلقی می‌شود که جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیست. شعارهای مراحل بعدی انقلاب نیز بر مشارکت سیاسی تأکید داشته‌اند و همچنان مشاهده می‌شود که مقوله آزادی و مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین محور شعارهای انتخاباتی در جامعه ما اهمیت دارند از این رو، جای تعجب نیست که مشارکت سیاسی همواره مورد توجه بوده و برای تحقق آن، کوشش بسیاری صورت گرفته است. (عسگری تلاوت، ۱۳۹۲: ۶۷)

همچنین، یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها و سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، تدوین برنامه برای اسلامی کردن فرهنگ، رسانه‌ها، آموزش و رفتارهای اجتماعی، بود. بر این اساس احزاب و تشکل‌های سیاسی، به سرعت به حضور در جامعه و آموزش اعضای خود پرداخته و تلاش گردید که با رویکرد مقابله با جامعه‌پذیری فرهنگی و سیاسی غرب، رویکرد اسلامی و ایرانی حاکم گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی جایگاه و اهمیت مردم را متذکر شده و مشارکت سیاسی آنان را به رسمیت شناخته است. به طور مثال در اصل پنجاه و نهم قانون اساسی است که مشارکت مستقیم مردم در مهمترین مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... را با همه پرس‌پرسی پیش میانی کرده است. لذا

حکومت جمهوری پیوسته در تلاش بوده است تا برای حل مسئله اساسی تطبیق نظم متکثر از راه مصالحه گروه‌های گوناگون با مجاز شمردن مشارکت همه آن‌ها در حکومت یا انتخاب رقابت‌آمیز دولت توسط همه آن‌هاست.

بدین ترتیب، با شکل‌گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دغدغه توسعه و پیشرفت همواره در میان نخبگان سیاسی ایران وجود داشته است. از آنجا که در کشور ایران، جامعه عموماً ضعیف و تشکل نیافته است. مسئولیت تحول ساختاری بر عهده نهادهای با نفوذ و مرجع خواهد بود. جمهوری بودن ساختار نظام و انتخابی بودن مناصب و مقامات تقنینی و اجرایی از جمله شاخص‌های مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی ایران است که بستر مناسبی را برای حضور گسترده شهروندان، گروه‌ها و احزاب در جهت تعیین سرنوشت سیاسی از طریق انتخابات فراهم نموده است. قانون جمهوری اسلامی ایران نیز برگرفته از احکام اسلام است که بر مسأله «مشارکت مردم» و سهیم کردن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن مردم، تأکید نموده و اصل ششم قانون اساسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی را متکی بر رأی مردم می‌داند. همچنین حضرت امام (ره)، براساس نظریه سیاسی انقلابی، مردمی و کارآمد خود، با طرح اصل ضرورت تعیین سرنوشت هر ملت به دست خویش تصریح می‌نمایند که: «هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند». بنابراین یکی از گسترده‌ترین مبانی و اصول سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و بنیانگذار آن، مشارکت مردمی است. بدین ترتیب، مشارکت حداکثری محصول فرآیندی است که در آن جمهوری اسلامی ایران، با جهت‌دهی مناسب افکار عمومی و تبیین نقشه راهی منسجم مقدمه مشارکت افزایشی جمعیت خاموش و جمعیت بی‌تفاوت را فراهم کند؛ به عبارتی، حوزه تعارض عملیاتی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران و مخالفان نظام، بر جمعیت خاموش متمرکز است و هر بازیگری که بتواند، از شیوه، ابزار و روش‌های اقناع‌سازی مطلوب‌تر و تأثیرگذارتری استفاده کند، بالتبع منفعت بالاتری را بدست می‌آورد؛ در نتیجه شایسته است که کاندیداها و احزاب هم‌سو، مؤلفه‌هایی که قابلیت جذب آرای جمعیت خاموش را دارد، شناسایی و طبقه‌بندی کرده و برای هر یک از راهبرد عملیاتی متناسب استفاده کند. از جمله عوامل مشارکت شهروندان در امور سیاسی، اعتماد سیاسی آن‌ها به نخبگان حاکم و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آن‌ها می‌باشد. این اعتماد در راستای اعتمادسازی احزاب در جامعه صورت می‌پذیرد. زمانی که احزاب و نخبگان سیاسی به اختلافات سیاسی دامن نزده و در راستای حفظ

_____ بررسی نسبت گفت‌وگوهای داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ◊
صلح و امنیت حرکت نمایند، می‌توانند این اعتماد در مردم ایجاد کرده و در راستای توسعه پایدار
گام بردارند.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

منابع:

اکبری، کمال (۱۳۸۸)، نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۴۷.

بادامچیان، اسدالله (۱۳۹۳)، آنچه درباره حزب و تشکل باید بدانیم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اندیشه ناب.

بشیریه، حسین (۱۳۹۲)، گذار به دموکراسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه نگاه معاصر.

بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، جامعه شناسی سیاسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات نی.

بشیریه، حسین (۱۳۹۰)، دیباچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه معاصر.

جوانی، یدالله (۱۳۸۷)، جستاری در ولایتمداری جریانات و احزاب سیاسی ایران، فصلنامه حصون، سال ۴، شماره ۱۵.

رابرت بله‌سو، بوسلاو بوسچک (۱۳۹۰)، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه علیرضا پارسا، تهران، قومس.

ریعی، حسین و جان پرور، محسن (۱۳۹۰)، بازنمایی مدل تحلیلی برای حل و فصل اختلافات و منازعات سرزمینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۵۴.

بررسی نسبت گفت‌وگوهای داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵
ریعی، حسین (۱۳۸۸)، نقش قدرت منطقه‌ای در حل و فصل اختلافات
سرزمینی (خلیج فارس)، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

دادگر، یدالله (۱۳۹۰)، ظرفیت نظریه اقتصاد سیاسی قانون اساسی جهت
انضباط بخشی مدیریت بخش عمومی، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، سال دوم،
شماره ۶.

دارابی، علی (۱۳۹۰)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، چاپ هشتم، تهران،
انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۸)، بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی
در ایران، رساله دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران.

دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، درآمدی نظری بر حل منازعات سیاسی،
فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳.

دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، الگوهای کلاسیک توسعه سیاسی: نگاهی به
تجربه اروپای غربی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۵،
شماره ۲۲.

سهرابی فرد، نسرین (۱۳۸۵)، مروری بر مبانی فراتحلیل، فصلنامه
روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۰.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
قاسمی، فرید (۱۳۹۲)، یادنامه شهید مظلوم، مباحث مربوط به حزب،
چاپ سوم، تهران، انتشارات ابرار معاصر.

قیصری، نورالله و فاطمی، جلال الدین (۱۳۹۳)، تشکلهای سیاسی در
گفتمان سیاسی امام خمینی، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، سال اول،
شماره ۱.

عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۷۷)، احزاب در نظام ولایت فقیه، فصلنامه
اندیشه حوزه، سال ۴، شماره ۱۴.

عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۲)، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی
در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کدیور، محسن (۱۳۹۲)، گذار به دموکراسی، ملاحظات نظری و مفهومی،
چاپ سوم، تهران، انتشارات گام نو.

کردل، کارل (۱۳۹۲)، منازعه قومی، علل، پیامدها و پاسخ‌ها (نقد کتاب)،
ترجمه علی کریمی، تهران، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۲، شماره ۲.

کرلینجر، فرد (۱۳۹۲)، مبانی پژوهشی در علوم رفتاری، جلد دوم، ترجمه
حسن پاشا شریفی و دیگران، تهران: آوای نور.

مقصودی، مجتبی و راهبر، اهورا (۱۳۹۴)، نگرش انتقادی از درون به
اصلاح طلبی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی،
سال ۱۱، شماره ۴۱.

_____ بررسی نسبت گفت‌وگوهای داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵
مرتجی، حجت (۱۳۹۴): جناح‌های سیاسی در ایران امروز، چاپ ششم،
تهران، انتشارات نقش و نگار.

موسی زاده، رضا (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۲، چاپ چهارم،
تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

نیاکوئی، امیر (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران، فصلنامه
پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۱.

نادری، عزت‌الله، سیف نراقی، مریم (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق و
چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، تهران، نشر
ارسباران.

Havard, Hegre (2014) Democracy and armed conflict; Journal of
Peace Research 51(2)

Richmond OP (2013) Failed statebuilding versus peace formation.
Cooperation and Conflict 48(3): 378-400.

Gleditsch, Kristian Skrede, & Ruggeri, Andrea (2010) Political
opportunity structures, democracy, and civil war; Peace Research, Vol.
47 No. 3: 299-310

Epstein, L. D. (1967), Political parties, (New York: John Willey)
– <http://www.jamaran.ir/fa/2600>

Law Son, Kay (ed.) (1980), Political Parties and Linkage (New
Haven, conn: Yale u. p.)